

Investigating Factors Affecting Women's Assistance in Intentional Homicide

Received: 20, March, 2022

Accepted: 23, April, 2022

Article type: Research Article

PP: 99-128

DOR:

Mahtab Mafi

PhD Candidate, Department of Cultural Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Mahtab.mafi8@gmail.com

Hossein Fekrazad

Assistant Professor, Department of Cultural Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: Fekr0123@yahoo.com

Amir Masoud Amir Mazaheri

Associate Professor, Department of Cultural Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: A.amir.mazaheri@gmail.com

Abstract

Background and objectives: Aiding and abetting murder is one of the main reasons for the occurrence of this crime in society, which leads to an increase in disorder and insecurity. Based on this, the aim of the present study is to investigate the factors affecting the participation of women in intentional homicide.

Method: In terms of its objectives this study is of an applied research type and in terms of its nature it is considered as a qualitative and descriptive-analytical research. The statistical population of this research is 8 women who were in Shahr-e Ray Penitentiary in 2017 for the crime of being an accomplice in intentional homicide. The tools of data collection were semi-structured interview and observation, and in order to obtain the personal characteristics of the prisoners, their personality files were used. After collecting the information, the data was analyzed using the Strauss and Corbin coding method and based on the grounded theory approach.

Findings: The findings of the research show that three categories of causal, contextual and intervening factors have had an effect on women's participation in intentional homicide, and the causal factors are: adverse economic conditions and disordered family life; contextual conditions include immigration and marginalization, socializing with criminal friends, and intervening conditions include use of drugs and alcohol, illicit relationship, and moral corruption. Action strategies include violent behavior towards others and disregarding the rights of others, which have resulted in regret, mental problems, and long-term imprisonment for women.

Results: The results of the research show that a set of factors led to the participation of women in intentional homicide, the most important of which was economic needs. Based on this, in order to empower women and solve their financial problems, creating employment units in the suburbs of Tehran should be done.

Keywords: Imprisoned women, Accomplice in intentional homicide, Basic theory, Crime.

This article is adapted from the PhD thesis entitled ((Identification of social factors affecting the crime of female assistant in intentional murder) of the Department of Cultural Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

بررسی عوامل مؤثر بر معاونت زنان در قتل عمد

چکیده

زمینه و هدف: معاونت و همکاری در قتل، یکی از دلایل اصلی وقوع این جنایت در جامعه است که منجر به افزایش بی نظمی و نا امنی می گردد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر معاونت زنان در قتل عمد است.

روش: این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی؛ از حیث ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نظر روش، کیفی است. جامعه آماری این پژوهش، 8 نفر از زنانی هستند که به جرم معاونت در قتل عمد در سال 1397 در ندامتگاه شهر ری بوده اند. ابزار گردآوری داده ها مشاهده و مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده و جهت دستیابی به مشخصات فردی زندانیان از پرونده شخصیت آنان استفاده گردیده است. پس از جمع آوری اطلاعات، داده ها با بهره گیری از روش کدگذاری استراوس و کوربین و بر اساس رویکرد نظریه مبنایی تحلیل گردیده است.

یافته ها: یافته های تحقیق بیانگر این است که سه دسته از عوامل علی، زمینه ای و مداخله گر در معاونت زنان در قتل عمد تأثیر داشته اند که عوامل علی عبارتند از: شرایط نامساعد اقتصادی، وضعیت نابسامان زندگی خانوادگی، شرایط زمینه ای عبارتند از: مهاجرت و حاشیه نشینی، معاشرت و رفت و آمد با دوستان خلافکار و شرایط مداخله گر عبارتند از: استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی، رابطه نامشروع و فساد اخلاقی. استراتژی های کنش (راهبرد) عبارتند از: رفتارهای خشونت آمیز نسبت به دیگران و ناپدید گرفتن حقوق دیگران که پیامدهایی مانند پشیمانی، بروز مشکلات روحی و حبس های طولانی مدت برای زنان به همراه داشته است.

نتیجه گیری: نتایج تحقیق بیانگر این است که مجموعه عواملی منجر به معاونت زنان در قتل عمد گردیده که مهمترین آن، نیازهای اقتصادی بوده است. بر این اساس، جهت توانمند سازی زنان و رفع مشکلات مالی آن ها، ایجاد واحدهای اشتغال زایی در حومه شهر تهران می باید اقدام گردد.

کلید واژه ها: زنان زندانی، معاونت در قتل عمد، نظریه مبنایی، جرم.

دریافت: 1400/12/29

پذیرش: 1401/02/03

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: 99-128

شناسه دیجیتال (DOR):

DOR:

مهتاب مافی

دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

mahtab_mafi@yahoo.com

حسین فکر آزاد

استادیار گروه جامعه شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه:

Fekr0123@yahoo.com

امیر مسعود امیر مظاهری

دانشیار گروه جامعه شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

a.amirmazaheri@gmail.com

این مقاله بر گرفته از رساله دکتری با عنوان «شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم معاونت زنان در قتل عمد» رشته جامعه شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

هر رفتار مجرمانه ای ممکن است با همکاری چند نفر ارتکاب یابد. این همکاری گاه به شکل مستقیم و با ارتکاب عنصر مادی جرم صورت می گیرد و در مواردی، اشخاص به یک نفر که مجرم اصلی است، یاری می رسانند. برای جرم معاونت، عناصر مادی و روانی تعریف گردیده است. وفق ماده 126 قانون مجازات اسلامی، اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند: 1- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد. 2- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد. 3- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند (قانون مجازات اسلامی، مصوب 1392).

معاونت زنان در قتل عمد، یک مسأله مهم اجتماعی است که نیازمند مطالعه و بررسی علمی است زیرا جان و امنیت اشخاص را تهدید می کند. گرچه به نظر می رسد در تمام موارد، معاونت زنان در قتل عمد ماهیت یکسانی داشته باشد اما در واقع دارای الگوها، مقاصد و انگیزه های مختلفی است. به طوری که 41 زن که به جرم معاونت در قتل عمد در زندان هستند، در سه گروه جای گرفته اند. گروه اول زنانی هستند که در قتل عمد شوهر معاونت داشته اند، گروه دوم زنانی که با انگیزه های اقتصادی در قتل عمد معاونت داشته اند و گروه سوم زنانی که در قتل عمد مردان مزاحم معاونت داشته اند. تا جایی که محقق اطلاع دارد هیچ گونه کار تحقیقی در خصوص علت و انگیزه زنان از معاونت در این قتل ها صورت نگرفته است که یکی از مهمترین دلایل آن، عدم دسترسی به جامعه آماری زنان زندانی بوده است. 8 نفر از زنانی که با انگیزه های اقتصادی و کسب مال در قتل عمد معاونت داشته اند علاوه بر جرم معاونت در قتل عمد، مرتکب جرائم دیگری مانند سرقت، آدم ربائی، اخاذی و... نیز گردیده اند. با توجه به این که معاونت زنان در قتل عمد، علاوه بر به خطر انداختن جان انسان ها، امنیت و سلامت روانی جامعه را به خطر انداخته و انتظام اجتماعی را تضعیف می سازد، پیشگیری از وقوع این گونه جرائم، نه تنها از مهم ترین وظایف مسئولان حکومتی مانند قوه مجریه، قضائیه و نیروی

انتظامی است، بلکه مطالعه و پژوهش در این زمینه، برای متولیان و نهادهای ذی ربط می تواند در حل مسأله معاونت زنان در قتل عمد راهگشا باشد. بنابر این، سؤال اصلی تحقیق این است که به لحاظ (زمینه ها، علل، فرایندها و پیامدها)؛ چه عواملی بر معاونت زنان در قتل عمد مؤثر بوده است؟

پیشینه و مبانی نظری

بدری، عظیم زاده، شیری و مؤذن زادگان (1399) در پژوهشی با عنوان «سیمای جنایی قتل های عمدی در شهرستان ساوجبلاغ در سال های 1385 تا 1395» که با روش توصیفی، 82 پرونده قتل را در گستره جغرافیایی شهرستان ساوجبلاغ بررسی کرده اند، 6 عامل مهم را در زمینه وقوع قتل عمد به شرح زیر شناسایی نمودند: 1- مسائل مالی 2- عصبانیت دفعی 3- خصومت شخصی 4- سرقت 5- درگیری لفظی 6- مسائل ناموسی. دعاگویان، قائمی نژاد، آزادی و سمیعانی (1399) در پژوهش خود با عنوان «عوامل جامعه شناختی قتل عمد» که جامعه آماری آن 20 نفر از کارشناسان پلیس آگاهی و 38 نفر از متهمان به قتل عمد در استان خراسان شمالی بودند، با روش پیمایشی و با استفاده از نرم افزارهای آماری، تأثیر نرخ بیکاری، نابرابری درآمد به عنوان عوامل اقتصادی و میزان فشارهای اجتماعی، نقش دوستان ناباب و کاهش نقش نظارت اجتماعی را به عنوان عوامل اجتماعی در قتل عمد بررسی کردند. فتحی، عینی پور، رستمی و پیشرو (1398) در پژوهشی با عنوان «انگیزه ها و عوامل وقوع قتل در استان آذربایجان شرقی» که جامعه آماری آن، کلیه پرونده های قتل ثبت شده در پلیس آگاهی تهران در طول سال های 1391 تا 1395 مشتمل بر 386 پرونده بود و با روش تحلیل محتوای کمی انجام گرفت، به این نتیجه دست یافتند که مسائل اخلاقی و اختلافات خانوادگی و نزاع بیشترین علت قتل بوده است. اکبری و علمی (1397) در تحقیق خود با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مرتبط با وقوع نوع قتل در استان آذربایجان شرقی در سال های 1390-1393» که جامعه آماری آن مشتمل بر 107 مرد و 13 زن محکوم به تحمل حبس و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بوده به این

نتیجه رسیدند که بیش از نیمی از محکومین به قتل از افراد طبقه پایین (فقیر)، کم سواد و مجرد بوده اند. هم چنین مردان بسیار بیشتر از زنان مرتکب قتل شده‌اند. رهبرپور و سجادی هزاوه (1396) در پژوهش خود با عنوان «واکاوی عوامل قتل در شهر اراک» که جامعه آماری آن شامل 64 نفر زندانی محکوم به قتل عمد و با روش توصیفی و ابزار پرسشنامه صورت گرفته است، فقر، اعتیاد، مشکلات خانوادگی و حاشیه نشینی را مهمترین عوامل دخیل بر وقوع پدیده قتل در شهرستان اراک دانسته و بیشتر افرادی را که مرتکب قتل عمد شده اند، از قشر پایین جامعه که سواد کم و وضعیت اقتصادی پایین دارند، دانسته اند. نجفی ابرندآبادی، جعفر زاده و هادی تبار (1394) در پژوهش خود با عنوان «مطالعه انگیزه های مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن در استان فارس از اول فروردین سال 1381 تا آخر اسفند سال 1390» که جامعه آماری آن 2190 نفر از مقتولین شامل 1832 نفر مرد و 358 نفر زن بوده و ابزار تحقیق، پرسشنامه و جمع آوری اطلاعات از برخی از اولیاء دم بوده، به مطالعه انگیزه های مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن در استان فارس پرداخته اند. این مطالعه نشان می دهد اکثر مقتولان مذکر بوده و در سنین جوانی و میان سالی به قتل رسیده اند و علت قتل در بسیاری موارد درگیری و نزاع پس از مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی بوده است. رازلیقی و حسین پور (1392) در پژوهشی با عنوان «علت شناسی و بررسی پیمایشی قتل های شهرستان کرج در محدوده زمانی 1385-1391»، که جامعه آماری آن 397 پرونده قتل اتفاق افتاده در شهر کرج از مرحله کشف تا صدور حکم و ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه بوده بیان می کنند اختلافات خانوادگی، رابطه نامشروع، اختلافات مالی، سرقت، انتقام و اخاذی بیشترین انگیزه های قتل بوده است. محمدی و موسی نژاد (1392) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی انگیزه و روش های قتل در موارد گزارش شده در تابستان سال 1392»، با تحلیل محتوای مطالب منتشر شده در روزنامه همشهری در سال 1391 و با بررسی 97 مورد قتل به این نتیجه رسیدند که سرقت بیشترین علت وقوع قتل ها بوده و کمترین آن ها مربوط به مسائل منکراتی بوده است.

دسموند و کوبرین¹ (2009) در مطالعه خود بیان کردند که شایع ترین علت مرگ در قاره آمریکا قتل عمدی است. در این پژوهش ارتباطی بین قتل و وضعیت اجتماعی وجود نداشت، ولی با وضعیت ازدواج، وضعیت اقتصادی، مقیم شهر یا روستا بودن ارتباط وجود داشت. واتنار و فرای استاد² (2018) در پژوهش خود نشان دادند بیشتر زنانی که مبادرت به انجام قتل کرده‌اند، فرزندی نداشته و از رفاه، بهره‌چندانی نبرده‌اند و انگیزه آن‌ها از قتل، ترس و انتقام بوده است. دویس، ولز، اسکواپرز، هوجتس و لیکی³ (2012) در مطالعه‌ای در لندن به این نتیجه رسیدند که از 912 مورد قتل، 487 مورد با سلاح گرم بوده که بیشترین علت آن درگیری و اختلاف، مسائل اقتصادی و انتقام بوده است.

در خصوص موضوع قتل عمد، مقالات جامعه‌شناسی متعددی در داخل کشور به چاپ رسیده اما در هیچ یک از این مقالات تمایزی بین صورت‌های مداخله در قتل شامل معاونت، مباشرت و مشارکت صورت نگرفته و قتل عمد به صورت کلی بررسی گردیده است. بدین لحاظ، تحقیق فوق، منحصر به فرد و دارای نوع آوری است.

معاونت در قتل عمد

معاونت در قتل عمد و تحقق آن، دارای مباحث حقوقی بسیاری است که محور اصلی این مقاله نیست اما از آنجایی که کلمه معاونت دارای معنایی حقوقی است، ذکر مواد قانونی در این مقاله اجتناب ناپذیر است. جرائم قتل عمد به لحاظ ماهیت، ابزار، عامل و نحوه ارتکاب قتل دارای الگوهای مختلف است. براساس عامل مرتکب جرم، جرائم قتل عمد به سه دسته معاونت، مباشرت و مشارکت تقسیم می‌گردد. معاون در قتل عمد، شخصی است که به مجرم در قتل عمد مساعدت می‌نماید. معاونت در قتل عمد، یک جرم محسوب می‌گردد و دارای ارکان زیر است:

1- Desmond & Kubrin

2- Vatnar & Friestad

3- Davis, Wells, Squires, Hodgts & Lecky

1- عنصر قانونی

ماده 612 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 چنین می گوید: " هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می نماید."

2- عنصر مادی

معاونت، یک جرم فعل است که با انجام رفتار مادی یا غیر مادی به یکی از صورت های مذکور در ماده 126 محقق می گردد. بنابر این صرف ترک فعل، بدون آن که محرک مرتکب همراه باشد، معاونت قلمداد نمی شود. مجرم باید با اقداماتی که تأثیر روانی در مرتکب دارد مانند تشویق، ترغیب، تهدید و برانگیختن مرتکب اصلی به هر صورت و یا راهنمایی وی برای چگونگی استفاده از ابزار جنایت و یا مراقبت از بزه کار و کشیک دادن و هر نحو تسهیل در وقوع جرم و یا اقدامات مادی مانند تهیه وسایل جنایت از قبیل اسلحه، طناب و آلت ضرب و جرح در جرم دخالت کند(صادقی، 1399، ص 354).

3- عنصر روانی

معاون باید فعل خود را به قصد تحقق جرم مورد نظر جانی، به انجام برساند. برخی از فقهای امامیه، معاونت را از امور قصدیه دانسته وقوع آن را مگر به قصد اولی و ابتدایی محقق نمی دانند، لکن ظاهر عبارت قانونگذار دلالت بر کفایت قصد تبعی و ضمنی در جرم معاونت دارد. پس اگر کسی فعلی را قصد کند که نسبت به تأثیر آن در وقوع جنایت آگاهی داشته و مثلاً چنان که در ماده 43 ق.م.ا. سابق آمده است: ((طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد))، معاون در جرم است. زیرا علم به این امر که عمل وی در انجام جرم به وسیله مرتکب اصلی سببیت خواهد داشت، خود قصد ضمنی معاونت در آن جرم است(صادقی، 1399، ص 356).

در تحقیق فوق معاونت زنان در قتل عمد، همراه با جرائمی مانند آدم ربائی، ضرب و جرح، رابطه نامشروع، شرکت در اختفاء و سرقت بوده است. در پرونده قضایی 7 نفر از این زنان جرم سرقت نیز وجود داشته و زنان به این نکته اشاره داشته اند که به دلیل نیازهای اقتصادی، ابتدا قصد همکاری در سرقت و تحصیل مال داشته اند که در شرایطی مجبور به معاونت در قتل عمد گردیده اند. این زنان حسب گفته هایشان، شرایط نابسامانی را در زندگی خانوادگی شان داشته و در وضعیت بد اقتصادی به سر می برده اند. در تبیین این مسأله به برخی از نظریات جامعه شناسی اشاره می شود:

رابرت مرتون¹، فشار ناشی از عدم دستیابی به اهداف را عامل سوق دهنده طبقه فرو دست به سوی ارتکاب جرم می داند (عارفی، 1396، ص 869). بر این اساس، از آن جایی که برخی از افراد از نظر کیفیت زندگی، در وضعیت مناسبی قرار ندارند، برای رسیدن به ثروت و جایگاه اقتصادی بالا، به سرقت دست می زنند (مقیم، 1396، ص 157). اگنیو² نابرابری اقتصادی را به عنوان منبع ساختاری فشار تشخیص می دهد که منجر به انسداد سطح مطلق اهداف فرد و همچنین افزایش احساس محرومیت نسبی می شود و در نهایت اثری مستقیم بر میزان افزایش جرم دارد (پرات و گودسی³، 2002، ص 616-617). جودیت بلاو⁴ و پیتز بلاو⁵ با ارائه مفهوم محرومیت نسبی، به تحلیل کج رفتاری پرداخته اند. از نظر آن ها، افرادی که از نظر وضعیت فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی در جایگاه پایینی قرار دارند، نسبت به گروه های بالادست با دیده حسرت می نگرند و از آن جایی که آرزوی دست یافتن به جایگاه بالاتر و اهداف فرهنگی بهتر را دارند، دچار محرومیت می شوند. این محرومیت به دو شکل می تواند جلوه گر شود. یا این که فرد به واسطه پیوند با اجتماع و نظام کنترل رسمی و غیر رسمی، رفتار خود را کنترل می کند و به زندگی عادی خود ادامه می دهد

-
- 1- Robert Merton
 - 2- Agnew
 - 3-Pratt & Godsey
 - 4-Judith Blau
 - 5- Peter Blau

و یا این که هنجارها را زیر پا می گذارد و برای دست یافتن به اهداف تعیین شده خود، به سرقت دست می زند (مقیمی، 1396، ص 157). یکی از عوامل زمینه ای در معاونت زنان در قتل عمد، مهاجرت و حاشیه نشینی است که نظریه بی سازمانی اجتماعی^۱ در این خصوص می گوید: بی سازمانی در محیط اطراف زندگی فرد، موجب کاهش نظارت اجتماعی و کنترل های رسمی و غیر رسمی می گردد و زمانی که عامل نظارتی تضعیف شود، زمینه ارتکاب جرائم فراهم می شود. بی سازمانی اجتماعی غالباً در محیط هایی به وقوع می پیوندد که ساکنان آن از نظر اقتصادی در وضعیت ضعیفی هستند، حاشیه نشین هستند و از نظر فرهنگی در سطح پایینی هستند (مقیمی، 1396، ص 158). معاشرت و رفت و آمد با دوستان خلافکار از دیگر عوامل زمینه ای معاونت زنان در قتل عمد است که نظریه فرصت های افتراقی^۲، بیان می کند که افراد به وسیله معاشرت و دوستی با افراد ناباب، به کجروی و جرم، روی می آورند. ریچارد کلوارد^۳ و لوید اوهلین^۴ عقیده دارند که افراد متعلق به طبقه کارگر و خرده فرهنگ های اجتماعی و اقتصادی فرودست، معمولاً طالب دستیابی به موفقیت به شیوه های قانونی اند اما جامعه فرصت های مشروع رسیدن به هدف را از آنان دریغ می کند. این نظریه بیان می دارد که اشخاص پرورش یافته در محلات پر از ازدحام و فقرزده، اهداف مرسوم به طبقه متوسط را می پذیرند و تصدیق می کنند. شکل گیری بزه در میان این افراد، کنشی است در برابر نوعی فشار ناشی از کشش بین آن چه می خواهند و آن چه امکان دسترسی به آن را دارند (سلیمی و داوری، 238، ص 1387).

روش

این پژوهش از نوع پژوهش های کیفی است که با روش نظریه بنیایی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، ۸ زن بین سنین ۲۰ تا ۵۵ سال

-
- 1- Social Disorganization
 - 2- Differential Reinforcement Theory
 - 3- Richard Cloward
 - 4- Loyd Ohlin

هستند که به جرم معاونت در قتل عمد در سال ۱۳۹۷ در ندامتگاه شهر ری زندانی بوده اند، لیست این زندانیان از واحد انفورماتیک زندان اخذ گردید و مصاحبه و گفتگو با این زندانیان در ساختمان اداری انجام گرفت. در مصاحبه از زنان زندانی درخواست شد که ماجرای اتفاقات افتاده را به صورت داستان وار برای پژوهشگر بیان کرده، هر چیزی را که به عنوان علت و معلول و پیامد در نظر دارند، بگویند. مصاحبه به گونه‌ای صورت گرفت که چیزی از ذهن پژوهشگر به زندانیان القاء نشود و فرد هر آن چه را که خود می‌داند، بیان کند. این مصاحبه‌ها به طور میانگین حدود چهل و پنج دقیقه طول کشید. جهت تکمیل پرونده شخصیت^۱ زندانیان، از مددکاران اجتماعی زندان و وکیل بندها^۲ استفاده گردیده است.

یافته های تحقیق

الف) یافته های توصیفی

میانگین سنی زنان، 33 سال و جوان ترین زن در این گروه 20 سال و مسن ترین 55 سال بوده است. 6 نفر از زنان خانه دار و دو نفر از آنان شاغل بودند. دونفر از معاونان در قتل افراد، مجرد و بقیه متأهل بوده اند. یکی از زنان دارای تابعیت افغانستان و بقیه ایرانی بوده اند. به غیر از یکی زنان که دارای محکومیت حمل مواد مخدر بوده است، بقیه زنان فاقد سابقه کیفری بوده اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- پرونده های شخصیت زندانیان زن ، مشتمل بر 4 صفحه است که شامل پرسش های باز و بسته ای است که بیانگر ویژگی های فردی و اجتماعی زندانیان است.

2- وکیل بندها، زندانیانی هستند که نماینده زندانیان هر بند به حساب می آیند و وظیفه حفظ نظم و آرامش را در بند ها به عهده دارند. درخواست ها و مطالبات زندانیان از طریق وکیل بندها به اطلاع مسئولین زندان یا دادیاران ناظر می رسد.

جدول شماره (1). مشخصات فردی زندانیان

شماره زندانی	سن	تحصیل	تابعیت	تاهل	مباشر در قتل	محل وقوع قتل	میزان محکومیت
1	24	دیپلم	ایران	مجرد	دوست پسر	در منزل معاون	16 سال حبس
2	27	ابتدایی	ایران	1 فرزند	همسر صیغه ای	در منزل معاون	15 سال حبس
3	43	بی سواد	افغانستان	5 فرزند	یک آشنا	در منزل مقتول	13 سال حبس
4	20	راهنمایی	ایران	مجرد	مادر	در منزل معاون	در حال رسیدگی
5	26	دیپلم	ایران	فاقد فرزند	شوهر	در منزل مقتول	15 سال حبس
6	55	راهنمایی	ایران	4 فرزند	همسر صیغه ای	بیرون منزل	15 سال حبس
7	43	راهنمایی	ایران	2 فرزند	یک آشنا	در منزل مقتول	در حال رسیدگی
8	26	دبیرستان	ایران	1 فرزند	دوست پسر	در منزل مقتول	15 سال حبس

ب) یافته های استنباطی

برای انجام تحقیق، ابتدا مصاحبه ها پیاده گردید و داده های به دست آمده از مصاحبه ها، مفهوم بندی گردید. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم به دست آمده در قالب سه بعد ((شرایط علی، زمینه ای، مداخله گر، تعاملی و پیامدی)) صورت بندی شد. در مرحله کدگذاری محوری، رابطه منطقی مقولات با هم مشخص گردید و مدل پرادایمی پژوهش شکل گرفت.

شرایط علی

در پژوهش حاضر شرایط علی مؤثر بر معاونت زنان در قتل عمد افراد عبارتند از (1) شرایط نامساعد اقتصادی (2) وضعیت نابسامان زندگی خانوادگی که به صورت مستقیم بر پدیده مدنظر تأثیر گذاشته اند.

- شرایط نامساعد اقتصادی

بخش اعظم جرائم ناشی از مشکلات اقتصادی و ناتوانی در تحصیل مشروع درآمد است. در واقع، به جز انگیزه های روانی و ذهنی مؤثر بر جرائم، سایر انگیزه های اقتصادی اجتماعی نیز بر وقوع جرائم مؤثر هستند. لذا میزان مشارکت اقتصادی با بالابردن درآمد مشروع و قانونی، زمینه وقوع قتل عمد را به شکل معنی دار کاهش می دهد. بنابراین با افزایش درآمد سرانه در سطح استان ها و توزیع برابر امکانات اقتصادی بین مناطق، زمینه وقوع قتل عمد در کشور کاهش می یابد (عاقلی کهنه شهری و امامقلی پور، 1386، ص 35-34). در این پژوهش، شرایط نامساعد اقتصادی بزرگترین عامل معاونت زنان در قتل عمد افراد بوده است، چنان که زندانی شماره 7 می گوید: «من در یک خانواده پرجمعیت به دنیا آمدم و در تنگنای مالی قرار داشتیم. درس 16 سالگی ازدواج کردم که منجر به طلاق شد. فرزندانم را به علت بدرفتاری پدرشان نزد خود آوردم. مدتی تحت پوشش کمیته امداد بودم. بعداً از سالمند نگهداری می کردم. کرایه خانه مان عقب افتاده بود و وضع مالی بدی داشتیم».

زندانی شماره 8 نیز می گوید: « شوهرم چون شغلی نداشت هزینه زندگی ما را پدر شوهرم می داد. او را رها کردم و به تهران آمدم و به دلیل نیاز مالی، در منزل فردی به عنوان پرستار مشغول به کار شدم». زنان این گروه غالباً در خانواده های محروم بزرگ شده و طعم فقر را چشیده اند. آن ها می گویند هدفشان کسب منافع مالی بوده و قتل در برنامه شان قرار نداشته است و یکدفعه با صحنه قتل مواجه شده و مجبور به همکاری گردیده اند. زنان در بیشتر موارد، اطلاعاتی را در اختیار مردان قاتل قرار داده و مقدمات قتل را فراهم آورده اند. زندانی شماره 3 در این خصوص می گوید: « من به دلیل وضعیت اقتصادی، نظافت منازل را انجام می دادم. مقتوله، یکی از آشنایان افغانستانی من بود که به منزل او رفت و آمد داشتیم. صبح روز قتل به منزل او رفتم. مقتوله که به آشپزخانه رفت، دو نفر یواشکی داخل آمدند. یکی شان چاقو در دست داشت. قرار بود فقط طلاهای زن را سرقت کنند اما مقتوله را به

قتل رساندند و بعد از سرقت اموالش، دو کودک او را در کنار جسد مادرشان رها کردند». این زندانی در روایت هایش به شرایط بد اقتصادی افغانستان و عدم ثبات سیاسی اشاره می کند که وی و خانواده اش را مجبور به مهاجرت به ایران و سکونت در حومه تهران کرده است. وی برای تأمین هزینه های زندگی ناگزیر به کار در مشاغل کارگری و خدماتی در کنار همسرش بوده است.

زندانی شماره 2 درباره معاونت در قتل عمد چنین می گوید: « شوهرم برای شرکت کمریند سازی در باقر آباد کارگر می خواست. من به متقاضی کار زنگ زدم، اول همسرم و بعد من با او صحبت کردیم. دختر به خانه ما آمد. یک زنجیر طلا و پلاک در دستش بود که همسرم وسوسه شد و او را کشت. همسرم من را مجبور کرد که با او همکاری کنم». طمع کاری و داشتن ثروت و دارایی بیشتر از مواردی است که بعضی زنان به آن اشاره داشته اند. چنان که همسر زندانی شماره 2 که درآمد متوسط داشته با دیدن طلاهای دختری که برای کار آمده وسوسه می شود و زن نیز به او کمک می کند. زندانیان شماره 1، 4 و 5 نیز با این که زندگی متوسطی داشته اند با انگیزه به دست آوردن ثروت بیشتر در قتل عمد معاونت داشته اند.

- وضعیت نابسامان زندگی خانوادگی

خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و کوچک ترین آن ها، تنها ساختار اجتماعی با دوام و هماهنگی است که از دیر باز در زندگی بشر وجود داشته و برآورنده مهم ترین خواسته های حیاتی انسان و برقرار کننده روابط اجتماعی است (نجفی توانا، 244، ص 1393). هر فرد درون خانواده جایگاه ویژه ای دارد و همه افراد درون آن در یک رتبه نیستند (سالاری فر، 1389، ص 66). ساخت و کیفیت روابط افراد تشکیل دهنده و شرایط حاکم بر آن تأثیر انکار ناپذیری در آینده کودکان امروز و پدران و مادران فردای جامعه دارد. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد بیشتر بزهکاران متعلق به خانواده هایی هستند که در آن از محبت و تفاهم اثر کمی وجود دارد. همچنین، اغلب دارای خانواده های از هم پاشیده ای هستند که والدین شان یا بسیار خشن و سختگیر یا بی تفاوت و بی توجه اند (کاو، 1391، ص 76). زندانی شماره 3 در خصوص اوضاع

نابسامان زندگی خانوادگی اش می گوید: «همسرم رفتار خوبی نداشت. بد اخلاق و بد دهن و شکاک بود. من به خاطر فرزندانم با او زندگی می کردم. در افغانستان، طلاق مطرح نیست و زن باید با هر شرایطی زندگی کند». این زندانی در روایت هایش به این نکته اشاره داشته که به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و فرهنگ قومی و قبیله ای در سن 13 سالگی با شیر بها به داماد فروخته شده و پس از ازدواج، خانواده اش قادر به هیچ گونه حمایتی از وی نبوده اند.

زندانی شماره 4 نیز در این باره چنین می گوید: «من 5 ساله بودم که پدرم در تصادف فوت کرد. مادرم 12 سال صیغه آقایی بود که در کار ساخت و ساز طلا بود و وضع مالی خوبی داشت. بعد رابطه شان به دلیل تهدید و اخاذی های مادرم به هم خورد. با این که درسم خوب بود، مادرم نگذاشت درس بخوانم. مادرم با شوهر صیغه ای اش جلوی من رابطه جنسی داشت.»

زندانی شماره 2 درباره معاونتش در قتل عمد چنین می گوید: «من در قرچک ورامین به دنیا آمدم و آخرین فرزند خانواده هستم. تا کلاس 5 ابتدایی درس خواندم. پدرم با وانت میوه فروشی می کرد و درآمد ناچیزی داشت. زندگی ما به سختی اداره می شد و من مجبور بودم در خانه های مردم کار کنم. در سن 18 سالگی، وقتی که به خرید رفته بودم با همسرم که تبعه افغانستان بود، آشنا شدم و صیغه کردیم.»

در روایت های زنان به مواردی مانند فقر، بیکاری پدر، تعداد زیاد فرزندان، عدم نظارت خانواده بر فرزندان و تربیت صحیح فرزندان اشاره شده است.

شرایط زمینه ای

شرایط زمینه ای، مجموعه خاصی از شرایط اند که در یک زمان و مکان پدید می آیند یا رخ می دهند تا مجموع اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه ها) با عمل و تعامل های خود به آنها پاسخ دهند. همچنین؛ شرایط زمینه ای منشاء در شرایط علی و دخیل دارند (استروس و کوربین، 1392، ص 154).

در این پژوهش شرایط زمینه ای مشتمل است بر: (1) مهاجرت و حاشیه نشینی (2) معاشرت و رفت و آمد با دوستان خلافکار.

- مهاجرت و حاشیه نشینی

مهاجران کسانی هستند که از شدت فشار زندگی در روستاها، به شهرها روی آورده ولی به علت فقدان سواد، مهارت و درآمد کافی و عدم توانایی شهر در جذب آن ها، خارج از محدوده اقتصادی شهرها به سربرده یا در داخل شهرها به صورت پراکنده، در مناطقی با حداقل امکانات زندگی می کنند. اوضاع نابسامان اقتصادی و تضاد فرهنگی، مهاجران و خانواده های آنان را در شرایط نامطلوب قرار داده و استعداد ناسازگاری و بزهکاری آن ها را تقویت می کند (نجفی توانا، 243، ص 1393). زندانی شماره 6 در خصوص مهاجرتش به تهران می گوید: «من در الیگودرز دنیا آمدم ولی خرمشهر بزرگ شدم و همانجا ازدواج کردم. همسرم غریبه بود و در گمرک خرمشهر کار می کرد. از زندگی ام راضی بودم. جنگ که شروع شد ما به عنوان مهاجر جنگی به تهران آمدیم. همسرم عرب بود و من 4 دختر به دنیا آوردم. همسرم که وارث پسر می خواست من را طلاق داد».

زندانی شماره 8 نیز می گوید: «به دلیل مشکلاتی که با شوهرم داشتم، از شهرستان به تهران آمدم و در منزلی در دولت آباد به عنوان پرستار مشغول به کار شدم». زندانیان شماره 2 و 7 نیز در حومه شهر تهران به دنیا آمده و بزرگ شده اند. زندانی شماره 3 در خصوص معاونتش در قتل عمد چنین می گوید: «من در افغانستان ازدواج کردم. دختر بزرگم 7 ساله بود که به ایران آمدیم. همسرم مأمور و صاحب منصب بود و از ترس دستگیری او به ایران فرار کردیم».

- معاشرت و رفت و آمد با دوستان خلافکار

عضویت در گروه های خشن می تواند زمینه ساز بروز جرائم خشن شود (عرب نژاد و یزدان پناه، 1390، ص 84). زندانی شماره 1 می گوید: «

دوست پسر من با دو نفر دیگر به خانه ما آمدند و خانه را به هم ریختند. دوست پسر من را در یک اتاق و مادرم را در اتاق دیگر گذاشت.»

زندانی شماره 7 نیز بیان می‌دارد که: «من در مرخصی زندان بودم که یکی از دوستان قدیمی ام به من گفت ما به تو پول می‌دهیم و تو فقط در خانه ای را که ما از صاحبخانه بدهکار هستیم، بزن». زندانی شماره 8 چنین می‌گوید: «در منزل فردی به عنوان پرستار مشغول به کار شدم. در این مدت با کسی دوست شدم. صاحبخانه ما پیرمردی 86 ساله بود که دوست من او را خفه کرد و 250 گرم طلایش را سرقت کردیم و سه نفری به افغانستان رفتیم. پلیس بین الملل من را در افغانستان دستگیر کرد». زندانی شماره 3 نیز از همراهی با گروهی خلافکار جهت سرقت سخن می‌گوید.

شرایط مداخله گر و میانجی

منظور از شرایط مداخله گر وضعیت‌هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تاثیر گذار هستند. این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کاهش یا افزایش می‌دهند (محسنی تبریزی، 1395، ص 48).

در این تحقیق شرایط میانجی یا عناصر مداخله گر عبارت است از (1) مواد مخدر و مشروبات الکلی (2) رابطه نامشروع و فساد اخلاقی.

- مواد مخدر و مشروبات الکلی

یکی از بارزترین انحرافات بشری که ارتباط مستقیم با پدیده بزهکاری دارد، اعتیاد است. فرد معتاد در اکثر اوقات برای تحصیل مواد مخدر مورد نیاز، دست به بدترین و پلیدترین کارهایی می‌زند که نه تنها خود، بلکه خانواده خود را نیز نابود می‌سازد. (کمالی پور راوری، 1395 ص 128). زندانی شماره 8 در خصوص مصرف مواد مخدر می‌گوید: «من در سن 17 سالگی توسط شوهرم معتاد شدم و هر دو با هم شیشه مصرف می‌کردیم. من 4 سال با او زندگی کردم و یک فرزند دارم. رابطه زناشویی ما یکطرفه بود، شوهرم نیاز خودش را برطرف می‌کرد و به نیازهای من توجهی نداشت و من را کتک می‌زد. خانواده

ام گفته بودند در صورت ترک اعتیاد، من را می پذیرند. من اعتیاد را ترک کردم و او را رها کردم و به تهران آمدم». زندانی شماره 4 نیز می گوید: «پسری که در خیابان دیده بودم و به او آدرس داده بودم، به خانه ما آمد، من و مادرم و او سه تایی مشروب خوردیم».

زندانی شماره 5 نیز می گوید که در لحظه قتل به دلیل مصرف مواد مخدر در توهم بوده و چیزی نفهمیده است.

- روابط نامشروع و فساد اخلاقی

در پرونده های زنان زندانی، علاوه بر جرم معاونت در قتل عمد که علت اصلی دستگیری شان است، جرائمی مانند سرقت، روابط نامشروع، تجاوز به عنف، جنایت بر میت، مثله کردن و آدم ربایی وجود دارد.

زندانی شماره 1 در خصوص روابط نامشروع می گوید: «من اولین فرزند خانواده ام. در تهران به دنیا آمدم و تا مقطع دیپلم درس خواندم. رفتار پدر و مادرم با من خوب بود و مشکلی در خانه نداشتیم. به اتهام معاونت در قتل عمد مادرم، در زندان هستم. وقتی این اتفاق افتاد، من پیش دانشگاهی بودم. با این که مادرم اجازه خروج از خانه را به من نمی داد، به مدت 5 ماه یواشکی خانه دوست پسر من می رفتم».

زندانی شماره 4 نیز چنین می گوید: «اولین بار در سن 15 سالگی مادرم من را به زور در اختیار مرد میانسالی قرار داد و من هیچی نمی دانستم. بعد ها من را به رابطه با مردها، تشویق می کرد و تنها هدفش پول بود. یک روز که من و مادرم در خیابان می گشتیم مقتول با ماشین کروک آمد بغل ماشین ما و مادرم که چشمش به او افتاد، گفت شماره ات را بده».

در موارد فوق، معاونین در قتل عمد دختران مجردی بوده اند که با مردان رابطه جنسی داشته اند. زندانی شماره 1 با وجود مخالفت های مادر و سختگیری های پدر با دوست پسرش ارتباط داشته و در دادنامه اش بازگو نموده که مایل به قتل پدر و مادرش برای رسیدن به آزادی و استفاده از دارایی

های آن ها بوده و زندانی شماره 4 نیز از طرف مادر به رابطه با مردها برای به دست آوردن پول تشویق می شده است.

زندانی شماره 8 نیز از فرار به کشور افغانستان و رابطه نامشروع با مرد افغانستانی سخن می گوید. زندانی شماره 2 نیز اگرچه از ازدواج موقت خود با مرد افغانستانی در سن 17 سالگی و داشتن یک فرزند صحبت می کند اما در دادنامه وی هیچ مدرکی دال بر زوجیت بین او و همسرش وجود ندارد.

کنش و تعامل (راهبردها)

راهبرد، مکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به کار گرفته می شود. کنشگران جهت تحقق پدیده به تدابیری می اندیشند و بر اساس شرایط و امکانات موجود راهبردی را اخذ می کنند. استروس و کوربین راهبرد را چگونگی مدیریت توسط افراد در مواجهه با مسائل تعریف می کنند (استراوس و کوربین، 1392، ص 155).

1- بی احترامی و رفتار خشونت آمیز نسبت به دیگران

معاونت زنان در قتل عمد، غالباً با جرم سرقت همراه است. مجرم در این موارد دست به اعمال خشونت بار شامل ضرب و جرح، آزار و اذیت، تحقیر و هتک حرمت مقتول می زند.

در این خصوص زندانی شماره 2 می گوید: «مقتول برای شستن صورت به حمام رفت که شوهرم چاقو را از آشپزخانه برداشت و دو ضربه به کمر مقتول زد. مقتول در کف حمام به زمین افتاد و داشت جان می داد و ناله می کرد که با چادر خفه اش کرد. برای این که صدای ناله اش به طبقه بالا نرود شیر آب را باز کردیم. دچار خونریزی شدید از ناحیه سر و کمر شده بود و فوت کرد».

زندانی شماره 4 نیز می گوید: «مادرم در لیوان پسری که از خیابان آورده بودیم، چیزی ریخت که کف کرد و با سالاد الویه برایش آوردیم. خورد و از هوش رفت. مادرم دست و صورتش را و من هم پاهایش را بستیم. دهانش را

چسب زده بودیم و وسط چسب را سوراخ کرده ونی گذاشته بودیم. 4- 3 روزدر همین حالت بود.»

زندانی شماره 7 می گوید: « یکی از دوستان قدیمی ام به من گفت ما به تو پول می دهیم و تو فقط در خانه ای را که ما از صاحبخانه بدهکار هستیم بزن. صاحب خانه زن و بچه ندارد. من تأکید کردم که بلایی سرش نیاید. من در خانه را زدم. آن ها که طلبکار بودند، پول و سند خانه را برداشته و صاحب خانه را زده بودند که منجر به فوت وی شد.»

2- نادیده گرفتن حقوق دیگران

زندانی شماره 3 در این خصوص چنین می گوید: « متهمان پس از قتل و سرقت اموال مقتوله، دو کودک 2 ساله و 10 ماهه را در کنار جسد مادرشان رها کرده و درب اطلاق ها را قفل و کلیدها را در سطل زباله انداختند.»

در مورد فوق مجرم و معاون در قتل عمد، دو کودک خردسال را از حق داشتن مادر و شوهر وی را از حق داشتن همسر محروم نموده و زندگی خانوادگی آن ها را بهم زده اند.

زندانی شماره 8 می گوید: « دونفر، مقتول را داخل سالن خفه کرده و طلا و پول وی را برداشتند. ما سه تایی به افغانستان رفتیم و آن دونفرکه افغانستانی بودند به ایران برگشتند و دستگیر شدند. من توسط پلیس بین الملل دستگیر شده و به ایران تحویل داده شدم. اولیاء دم مقتول شامل همسر و فرزندان وی تقاضای قصاص دارند.»

پیامدها

فرایندها، تعامل ها یا راهبردهای هستند که پیرامون یک پدیده صورت گرفته و منجر به ظهور پیامدهایی می شوند(حسین آبادی، شایگان و یکتایی، 1400، ص 90). به عبارت دیگر؛ هر جا در اثرانجام یا عدم انجام عمل، تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسأله ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی

فرد یا افرادی انجام می‌گیرد، پیامدهایی پدید می‌آید که برخی از این پیامدها خواسته و بعضی‌ها ناخواسته اند استراوس و کوربین، 1392، ص 156).

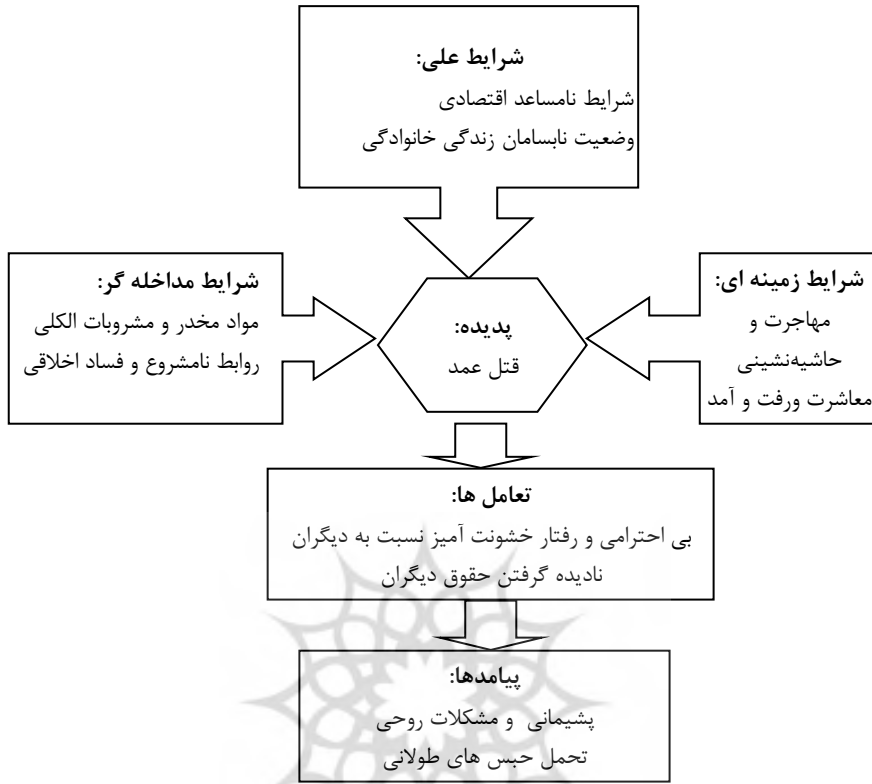
1- پشیمانی، اضطراب و مشکلات روحی

بیشتر زندانیانی که به جرم معاونت در قتل عمد در زندان هستند، مرتب صحنه قتل را به یاد می‌آورند و بیشتر از بقیه جرائم در معرض آسیب‌های روحی و روانی قرار دارند. بعضی از آن‌ها حتی تحت نظارت روانپزشک قرار گرفته و دارو مصرف می‌کنند.

زندانی شماره 4 در این باره چنین می‌گوید: « به لحاظ روحی بسیار به هم ریخته‌ام و حتی از صدای خش خش یک پلاستیک می‌ترسم. از دیدن خون هراس دارم و صحنه قتل را مرتب به یاد می‌آورم. زندانی شماره 5 نیز که طبق نظریه پزشکی قانونی دارای اختلالات شخصیتی است، به دلیل شرایط حبس، حالات عصبی و پرخاشگری داشته و تحمل گفتگو در خصوص قتل را ندارد.

2- حبس‌های طولانی مدت

از آن جایی که جرائم قتل عمد دارای پیچیدگی‌های بسیار است، روند رسیدگی به پرونده‌های فوق از تحقیقات مقدماتی در دادسرای جنائی تا صدور رأی نهایی در دادگاه چندین سال طول می‌کشد. در پژوهش فوق، به غیر از دو پرونده که در حال رسیدگی قضایی و صدور کیفرخواست بودند، بقیه پرونده‌ها به صدور حکم انجامیده است. بر این اساس یکی از زندانیان به 13 سال و دیگری به 16 سال و چهار نفر به 15 سال حبس محکوم شده‌اند. حبس‌های طولانی مدت، یکی از پیامدهای معاونت زنان در قتل عمد است.



شکل شماره (1). مدل پارادایمی معاونت زنان در قتل عمد

بحث و نتیجه گیری

معاونت زنان در قتل عمد، موضوعی است که نیازمند تحقیق و بررسی های علمی است. بدون تردید با شناخت و آگاهی بیشتر از علل واقعی این گونه قتل ها می توان اقدامات پیشگیرانه ای را در قبال آن اتخاذ نمود. در این راستا هدف پژوهش فوق بررسی عوامل مؤثر بر معاونت زنان در قتل عمد است. نتایج تحقیق نشان می دهد که مجموعه عواملی منجر به معاونت زنان در قتل عمد شده است که عبارتند از: مشکلات و تنگناهای اقتصادی زنان، وضعیت نابسامان زندگی خانوادگی، مهاجرت و حاشیه نشینی، معاشرت با دوستان خلافکار، استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی، فساد اخلاقی و روابط

نامشروع. جامعه آماری این تحقیق 8 نفر بوده که 6 نفر از این زنان، متأهل و خانه دار بوده اند. به غیر از یکی از زنان که قبلاً محکومیت حمل مواد مخدر داشته، بقیه زنان هیچ گونه محکومیتی نداشته اند و اولین بار که پای آن ها به دادگاه کشیده شده در خصوص معاونت در قتل عمد بوده است. می توان گفت زن ها در شرایط مالی نامساعدی قرار داشته اند که مجبور به معاونت در قتل عمد شده اند. بر این اساس، بهترین پیشنهاد، توانمند سازی زنان و اشتغال زایی برای آنان در مناطق محروم و حومه شهر های بزرگ است. در تحقیق حاضر، یک نفر از معاونین در قتل عمد و سه نفر از مباشرین در قتل عمد تابعیت کشور افغانستان را داشته اند که این مسأله نیازمند بررسی است. بی ثباتی سیاسی افغانستان، تنگناهای اقتصادی و مشکلات معیشتی، خشونت های خانگی و تفاوت های فرهنگی و قومیتی از مواردی بوده که اتباع افغانستان به آن اشاره داشته اند. یکی از بزرگترین مشکلات زنان افغانستانی که با گلایه از آن سخن می گویند ازدواج آن ها در سنین پایین و اختلاف سنی بسیار با شوهرانشان بوده است.

یافته های پژوهش فوق؛ شباهت ها یا تفاوت هایی را با تحقیقات پیشین نشان می دهد: نتایج این تحقیق با نتیجه تحقیق بدری، عظیم زاده، شیر ی و مؤذن زادگان (1399) مبنی بر مؤثر بودن مسائل مالی و سرقت در قتل عمد همراستاست و عوامل دیگر مانند عصبانیت دفعی، خصومت شخصی، درگیری لفظی، مسائل ناموسی در این تحقیق نقشی نداشته است. دعاگویان و همکاران (1399) در پژوهش خود که با هدف شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی ارتکاب قتل عمد توسط مجرمان در استان خراسان شمالی، انجام شده، تأثیر نرخ بیکاری، نابرابری درآمد به عنوان عوامل اقتصادی و میزان فشار های اجتماعی، نقش دوستان ناباب و کاهش نقش نظارت اجتماعی را به عنوان عوامل اجتماعی بررسی کرده اند که در این تحقیق نیز تمام عوامل فوق در معاونت زنان در قتل عمد، مؤثر بوده است. فتحی و همکاران (1398) در پژوهشی با عنوان انگیزه ها و عوامل وقوع قتل در استان آذربایجان شرقی، مسائل اخلاقی، اختلافات خانوادگی و نزاع را بیشترین علت قتل دانسته اند که

تأثیر مسائل اخلاقی با نتایج این تحقیق مطابقت دارد ولی اختلافات خانوادگی و نزاع تأیید نمی‌گردد. نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق یعقوبی چوبری (1397) در خصوص اعتیاد، همنشینی با دوستان ناباب، ناکامی‌ها و سرخوردگی‌های زندگی مطابقت دارد ولی با نزاع و درگیری، فحاشی، طلاق مغایرت دارد. بر اساس تحقیق اکبری و علمی (1397) بیش از نیمی از محکومین به قتل از افراد طبقه پایین (فقیر)، کم‌سواد و مجرد بوده‌اند. که عامل فقر و کم‌سواد در خصوص معاونت زنان در قتل عمد تأیید می‌گردد اما عامل مجرد تأیید نمی‌شود. رهبرپور و سجادی هزاوه (1396) فقر، اعتیاد، مشکلات خانوادگی و حاشیه‌نشینی را مهمترین عوامل دخیل بر وقوع پدیده قتل در شهرستان اراک دانسته‌اند و بیشتر کسانی را که مرتکب قتل عمد شده‌اند، از اقشار پایین جامعه با سواد کم و وضعیت اقتصادی پایین دانسته‌اند که به غیر از عامل مشکلات خانوادگی بقیه موارد با نتیجه این تحقیق همراستاست. نجفی ابرندآبادی و همکاران (1394) در پژوهشی به «مطالعه انگیزه‌های مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن در استان فارس» پرداخته و علت قتل را در بسیاری موارد درگیری و نزاع پس از مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی بیان داشته‌اند که در تحقیق فوق، استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی به عنوان شرایط مداخله‌گر مطرح است. رازلیقی و حسین پور (1392) در پژوهشی با عنوان «علت‌شناسی و بررسی پیمایشی قتل‌های شهرستان کرج در محدوده زمانی 1395-1391»، بیان می‌کنند اختلافات خانوادگی، رابطه نامشروع، اختلافات مالی، سرقت، انتقام و اخاذی بیشترین انگیزه‌های قتل بوده‌است که عوامل رابطه نامشروع، سرقت با این تحقیق همراستاست. محمدی و موسی نژاد (1392) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی انگیزه و روش‌های قتل در موارد گزارش شده در تابستان سال 1392»، به این نتیجه رسیدند که سرقت بیشترین علت وقوع قتل‌ها بوده و کمترین آن‌ها مربوط به مسائل منکراتی بوده‌است که عامل سرقت در این تحقیق تأیید می‌گردد.

در تحقیق، دسموند و کوبرین (2009) ارتباطی بین قتل و وضعیت اجتماعی وجود نداشت، ولی با وضعیت ازدواج، وضعیت اقتصادی، مقیم شهر یا

روستا بودن ارتباط وجود داشت که عامل وضعیت اقتصادی با این پژوهش همراستاست. نتیجه این تحقیق، با تحقیق واتنار و فرای استاد (2018) که بیان داشته اند بیشتر زنانی که مبادرت به انجام قتل کرده‌اند فرزندی نداشته و از رفاه، بهره‌چندانی نبرده و انگیزه آن‌ها از قتل، ترس و انتقام بوده است، به لحاظ بهره‌مند نبودن زنان از رفاه همراستا بوده و عامل ترس و انتقام تأیید نمی‌گردد. دوپس و همکاران (2012) در مطالعه‌ای در لندن به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین علت قتل‌ها، درگیری و اختلاف، مسائل اقتصادی و انتقام بوده است. در خصوص مسائل اقتصادی نتیجه این تحقیق با پژوهش انجام شده همراستاست و بقیه موارد رد می‌شود. در قتل‌هایی که به عنوان پیشینه تحقیق به آن‌ها اشاره گردید، در بیشتر موارد مجرمان اصلی مرد بوده‌اند حال آن‌که در تحقیق فوق با جامعه آماری زنان روبرو هستیم. به همین دلیل یافته‌های این تحقیق، چندان منطبق بر یافته‌های تحقیقات پیشین نیست و تنها عوامل اقتصادی، سرقت، مسائل اخلاقی با این تحقیق همراستاست.

معاونت زنان در قتل عمد، همراه با جرایمی مانند آدم ربائی، ضرب و جرح، روابط نامشروع، شرکت در اختفاء و سرقت بوده است. 7 نفر از زنانی که در قتل عمد معاونت داشته‌اند، مرتکب جرم سرقت نیز شده‌اند. در تبیین این مسأله همان‌طور که مرتون گفته است، برخی از افراد از نظر کیفیت زندگی، در وضعیت مناسبی قرار ندارند و برای رسیدن به ثروت و جایگاه اقتصادی بالا، به سرقت دست می‌زنند. نابرابری اقتصادی یکی از عواملی است که آگنیو از آن به عنوان منبع ساختاری فشار نامبرده است که موجب افزایش احساس محرومیت نسبی شده و در نهایت اثری مستقیم بر میزان افزایش جرم دارد. جودیت بلاو و پیتز بلاو نیز با ارائه مفهوم محرومیت نسبی، به تحلیل کج رفتاری پرداخته‌اند. یکی از عوامل زمینه‌ای در معاونت زنان در قتل عمد، مهاجرت و حاشیه‌نشینی است که نظریه بی‌سازمانی اجتماعی در این خصوص می‌گوید: بی‌سازمانی در محیط اطراف زندگی فرد، موجب کاهش نظارت اجتماعی و کنترل‌های رسمی و غیر رسمی می‌گردد و زمانی که عامل نظارتی تضعیف شود،

زمینه ارتکاب جرایم فراهم می شود. بی سازمانی اجتماعی غالباً در محیط هایی به وقوع می پیوندد که ساکنان آن از نظر اقتصادی در وضعیت ضعیفی هستند، حاشیه نشین هستند و از نظر فرهنگی در سطح پایینی قرار دارند. معاشرت و رفت و آمد با دوستان خلافکار از دیگر عوامل زمینه ای معاونت زنان در قتل عمد است که نظریه فرصت های افتراقی، بیان می کند که افراد به وسیله معاشرت و دوستی با افراد ناباب، به جبروی و جرم، روی می آورند. ریچارد کلوارد و لوید اوهلین نیز عقیده دارند که افراد متعلق به طبقه کارگر و خرده فرهنگ های اجتماعی و اقتصادی فرودست، معمولاً طالب دستیابی به موفقیت به شیوه های قانونی اند اما جامعه فرصت های مشروع رسیدن به هدف را از آنان دریغ می کند.

پیشنهادها

- ایجاد واحدهای خوداشتغالی برای زنان به منظور مساعدت مالی به زنان آسیب دیده و بدون سرپرست؛
- افزایش مراکز مددکاری اجتماعی، روان شناسی و مشاوره خانوادگی در سطح جامعه به خصوص حومه شهرهای بزرگ که مهاجرپذیر هستند در جهت پیشگیری از جرم؛
- تحلیل گسترده موضوع از طریق برگزاری سمینارها و کنفرانس ها با دعوت از کارشناسان و صاحب نظران؛
- آگاهی و بالابردن سطح دانش جامعه در حوزه حقوق و مسائل اجتماعی با ایجاد زیرساخت های فرهنگی و آموزش عمومی در مدارس و رسانه های عمومی.

سیاسگزاری

نویسندگان از کارکنان، کارمندان اداری و مددکاران اجتماعی ندامتگاه شهر ری که در انجام این تحقیق همکاری نمودند، تشکر می نمایند.

- استراوس و کوربین. (1392). *مبانی پژوهش کیفی*. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- اکبری، ابراهیم و علمی، محمود. (1397). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با وقوع نوع قتل در استان آذربایجان شرقی در سال‌های 1390-93. *مطالعات جامعه‌شناسی*، 10(38)، 139-153. قابل بازیابی از: https://jss.tabriz.iau.ir/article_539347.pdf
- بدری، علی؛ عظیم زاده، شادی؛ شیری، عباس و حسینعلی مؤذن زادگان. (1399). سیمای جنایی قتل‌های عمدی در شهرستان ساوجبلاغ. *نشریه علمی انتظام اجتماعی*، 12(1)، 49-76. قابل بازیابی از: https://sopra.jrl.police.ir/article_93661.pdf
- حسین آبادی، باقر؛ شایگان، فریبا و مهدی یکتایی. (1400). بسترها، زمینه‌ها و عوامل وقوع قتل‌های خانوادگی (یک مطالعه کیفی). *دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، 9(1)، 69-103. قابل بازیابی از: https://pssw.jrl.police.ir/article_95968.pdf
- دعاگویان، داود؛ قائمی نژاد، محمد رضا؛ آزادی، نادر و سمیعانی، نادر. (1399). عوامل جامعه‌شناختی قتل عمد. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، 15(4)، 103-124. قابل بازیابی از: https://icra.jrl.police.ir/article_95208.pdf
- رازلیقی، سید محمد حسین و میثم، حسین پور. (1392). علت‌شناسی و بررسی پیمایشی قتل‌های کرج. *فصلنامه کارآگاه*، 7(25)، 65-82. قابل بازیابی از: https://det.jrl.police.ir/article_10662.pdf

— رهبرپور، محمدرضا و فرزانه سجادی هزاوه. (1396). واکاوی عوامل قتل عمد در شهر اراک. *فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی*، 12(47)، 77-88. قابل بازیابی از:

https://icra.jrl.police.ir/article_18217.pdf

— سالاری فر، محمد رضا. (1389). *خشونت خانگی علیه زنان*. قم: نشر هاجر.

— سلیمی، علی و داوری، محمد. (1387). *جامعه شناسی کجروی*. ویراست دوم، چاپ چهارم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

— صادقی، محمد هادی. (1399). *جرائم علیه اشخاص*. چاپ بیست و دوم، تهران: نشر میزان.

— عارفی، مرتضی. (1396). *نظریه عمومی فشار*. دانشنامه علوم جنایی اقتصادی به کوشش امیر حسن نیازپور، تهران: نشر میزان.

— عاقلی کهنه شهر، لطفعلی و امامقلی پور، سارا. (1386). تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی بر وقوع جرائم خشن با مطالعه موردی قتل عمد. *مجله کارآگاه*، 1(1)، 22-37. قابل بازیابی از:

https://det.jrl.police.ir/articl_10552.pdf

— عرب نژاد، فاطمه و یزدان پناه، لیلا. (1390). عوامل مرتبط با خشونت و سابقه آن در بین جوانان 18-35 سال زندان کرمان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، 11(43)، 71-95. قابل بازیابی از:

<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-753-fa.html>

— فتحی، آیت اله؛ عینی پور، جواد؛ رستمی، حسین و پیشرو، صمد. (1398). انگیزه ها و عوامل وقوع قتل در استان آذربایجان شرقی. *فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی*، 14(55)، 113-130. قابل بازیابی از:

https://icra.jrl.police.ir/article_92420.pdf

— قانون مجازات اسلامی، مصوب سال 1392.

— کاوه، محمد. (1391). *آسیب شناسی بیماری های اجتماعی*. جلد اول، تهران: نشر جامعه شناسان.

— کمالی پور راوری، الهه. (1395). بررسی علل و عوامل وقوع قتل در جنوب استان کرمان. *فصلنامه دانش انتظامی کرمان*، 15(1)، 118-135. قابل بازیابی از:

https://Kerman.jrl.police.ir/article_16594.pdf

— محمدی، اصغر و موسی نژاد، زهرا. (1392). ارزیابی انگیزه و روش های قتل در موارد گزارش شده در تابستان سال 1392. *مجله تحقیقات نظام سلامت*، 9(12)، 1329-1336.

https://hsr.mui.ac.ir/article_1_532_fa.html

— محسنی تبریزی، علیرضا. (1395). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری. تهران: نشر اطلاع.

— مقیمی، مهدی. (1396). تأثیر کیفیت زندگی بر جرم سرقت، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دیدگاه های حقوقی قضایی، 22(79 و 80)، 149-170. قابل بازیابی از:

https://jlvviews.ujsas.ac.ir/article_1_1085_fa.html

— نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ جعفر زاده، فتاح و اسماعیل، هادی تبار. (1394). مطالعه انگیزه های مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن در استان فارس از اول فروردین سال 1381 تا آخر اسفند سال 1390. *مجله پزشکی قانونی ایران*، 21(3)، 189-197. قابل بازیابی از:

<http://sjfm.ir/article-1-724-fa.html>

— نجفی توانا، علی. (1393). *جرم شناسی*. تهران: نشر آموزش و پرورش.

— یعقوبی چوبری، علی. (1397). سنخ شناسی و دلایل وقوع قتل عمد به شیوه نظریه زمینه ای (مورد مطالعه متهمان قتل استان گیلان در زندان لاکان رشت. *نشریه مسائل اجتماعی ایران*، 9(1)، 147-168. قابل بازیابی از:

https://jspi.khu.ac.ir/article_1_2921_fa.html

- Davies, M. J., Wells, C., Squires, P. A., Hodgetts, T. J., & Lecky, F. E. (2012). Civilian firearm injury and death in England and Wales. *Emergency medicine journal*, 29(1), 10-14. Retrieved from: <https://b2n.ir/5705/5>
- Desmond, S.A., & Kubrin C.E. (2009). The power of place: Immigrant Communities and adolescent Violence. *The Sociological quarterly*, 50(4), 581-607. Retrieved from: <https://doi.org/10.1111/j.1533-8525.2009.01153>
- Pratt, T. C., & Godsey, T. W. (2002). Social support and homicide: A cross-national test of an emerging criminological theory. *Journal of Criminal Justice*, 30(6), 589-601. Retrieved from: [https://doi.org/10.1016/50047-2352\(02\)00192-7](https://doi.org/10.1016/50047-2352(02)00192-7)
- Vatnar, S. K. B., Friestad, C., & Bjørkly, S. (2018). Differences in intimate partner homicides perpetrated by men and women: evidence from a Norwegian National 22-year cohort. *Psychology, Crime & Law*, 24(8), 790-805. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/10683/6x.2018/438433>